



The Role of Family_Based Interventions in Prevention Children and Adolescent

Mohammad Hasanpour¹, Naaser Ghasemi², Farid Mohseni³

Abstract

Field and Aims: Field and Aim: Deviations in children and adolescents are a risk factor from the perspective that may lead to delinquent behavior. In this regard, the role of family as an institution that can both create and prevent deviation in children and adolescents is important. Therefore, in this study, we deal with the issue of how the family plays a role in following the deviations of children and adolescent?

Method: This article is written in a descriptive _ analytical manner.

Findings and Conclusions: The most common deviations in children and adolescents are sexual perversions, violence and bullying, the tendency to smoke, drugs, psychotropic drugs and alcohol. The formation of deviations in children and adolescents is not the result of a specific factor, but a set of factors affect its formation in a chain. This factors are rooted in individual _psychological factors (including genetic and psychological and personality factors), micro _ factors (including the structure and function of the family and the influence of the peer group) and macrostructural factors (including socio _ economic factors, cultural factors and virtual and media factors).

The results of the study indicate that non criminal prevention in the form of criminal prevention against children and adolescents are not effective than preventing deviations in children and adolescents. In this regards, family _ oriented interventions in order to prevent deviations of children and adolescents as one of the types of growth _ oriented prevention include teaching life skills, increasing responsibility in children and raising awareness and empowering parents.

Keyword: Deviations, Delinquency, Children and Adolescents, Family _ oriented interventions, Developmental Circuit Growth Prevention.

* Citation (APA): Hasanpour, H., Ghasemi, N.& Mohseni, F. (2025). The Role of Family_Based Interventions in Prevention Children and Adolescent. *Applied criminology research*, 3(10), 179-200.

https://www.qacr.ir/article_735096.html?lang=en

1. PhD candidate in Criminal law and criminology, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran. (Corresponding Author). Email: mhasanpour70@gmail.com
2. Associate Professor Department of Criminal Law and Criminology, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran. Email: dr.ghasemi76@gmail.com
3. Professor Department of Criminal Law and Criminology, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran. Email: mohseni@ujsas.ac.ir



نقش مداخلات خانواده‌محور در پیشگیری از انحرافات شایع اطفال و نوجوانان

محمد حسن‌پور✉^۱، ناصر قاسمی^۲، فرید محسنی^۳

چکیده

زمینه و هدف: انحرافات در اطفال و نوجوانان از این منظر که ممکن است زمینه‌ساز رفتارهای بزهکارانه باشد، یک عامل خطر محسوب می‌شود. در این میان نقش خانواده به‌عنوان نهادی که می‌تواند هم زمینه‌های انحراف را در اطفال و نوجوانان ایجاد کند و از آن پیشگیری نماید دارای اهمیت می‌باشد. بر این اساس در این پژوهش به این موضوع می‌پردازیم که خانواده به چه نحو در پیشگیری از انحرافات اطفال و نوجوانان نقش دارد؟

روش: این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی نگارش یافته است.

یافته‌ها و نتایج: شایع‌ترین نوع انحرافات در اطفال و نوجوانان انحرافات جنسی، خشونت و قلدری، تمایل به مصرف سیگار، مواد مخدر، داروهای روان‌گردان و مشروبات الکلی می‌باشد. شکل‌گیری انحرافات در اطفال و نوجوانان نتیجه یک عامل مشخص نیست، بلکه مجموعه‌ای از عوامل به‌صورت زنجیروار در شکل‌گیری آن تأثیرگذار هستند. این عوامل ریشه در عوامل فردی - روان‌شناختی (شامل عوامل ژنتیکی و عوامل روان‌شناختی و شخصیتی)، عوامل خرد (شامل ساختار و عملکرد خانواده و نفوذ گروه همسالان) و عوامل کلان ساختاری (شامل عوامل اجتماعی - اقتصادی، عوامل فرهنگی و عوامل مجازی و رسانه‌ای) می‌باشد. نتایج پژوهش بیانگر آن است که شیوه‌های مجازات محور در قالب پیشگیری کیفی در قبال اطفال و نوجوانان کارآمدی لازم را ندارد و اعمال شیوه‌های پیشگیرانه غیرکیفری اثر و کارآمدی بیشتری نسبت به پیشگیری از انحرافات در اطفال و نوجوانان دارد. در این راستا شیوه‌های مداخلات خانواده محور به‌منظور پیشگیری از انحرافات اطفال و نوجوانان به‌عنوان یکی از انواع پیشگیری رشد مدار شامل آموزش مهارت‌های زندگی، افزایش مسئولیت‌پذیری در کودکان و آگاهی‌بخشی و توانمندسازی والدین می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: انحرافات، بزهکاری، اطفال و نوجوانان، مداخلات خانواده‌محور، پیشگیری رشد مدار.

*استناددهی (APA): حسن‌پور، محمد، قاسمی، ناصر، و محسنی، فرید. (۱۴۰۴). نقش مداخلات خانواده‌محور در پیشگیری از انحرافات شایع اطفال و نوجوانان. پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی، ۳(۱۰)، ۱۷۹-۲۰۰.

http://www.qacr.ir/article_735096.html

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: mhasanpour70@gmail.com

۲. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران.

رایانامه: dr.ghasemi76@gmail.com

۳. استاد گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران.

رایانامه: mohseni@ujsas.ac.ir

اینکه منظور از طفل و نوجوان دقیقاً چیست، امری است که در نظام‌های حقوقی داخلی و بین‌المللی محل بحث و مناقشه می‌باشد. بر این اساس در ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک، تمام افراد زیر ۱۸ سال، کودک تلقی شده است، مگر اینکه به موجب قوانین لازم‌الاجرای هر کشور سن پایین‌تری در نظر گرفته شود. در نظام حقوقی ایران در ماده یک قانون حمایت از اطفال و نوجوانان طفل^۱ به هر فرد که به سن بلوغ شرعی نرسیده است و نوجوان، هر فرد زیر هجده سال کامل شمسی که به سن بلوغ شرعی رسیده است. بر این اساس یکی از معیارهای تعیین مسئولیت کیفری و حتی نوع مجازات در قانون مجازات اسلامی نیز سن افراد می‌باشد؛ اما موضوع انحرافات در اطفال و نوجوانان موضوعی می‌باشد که ممکن است زمینه‌ساز بزهکاری در آنها باشد. در واقع انحرافات در میان اطفال و نوجوانان، صرفاً امری فردی یا زیستی نیست، بلکه پدیده‌ای عمیقاً اجتماعی است که ریشه در ساختارهای فرهنگی، اقتصادی، محیطی و خانوادگی دارد.

خانواده به‌عنوان اولین واحد اجتماعی و کوچک‌ترین آن، یگانه ساختار اجتماعی با دوام و هماهنگی است که از دیرباز در زندگی بشر وجود داشته و برآورنده مهم‌ترین خواست‌های حیاتی انسانی و برقرارکننده روابط اجتماعی اوست. ساختار خانواده و شرایط حاکم بر آن تأثیر انکارناپذیری بر رفتار و آینده کودکان و بزهکاری آنها دارد (گل خندان، ۱۴۰۱، ص ۲۰۷). بر این مبنای تربیت و پیشگیری از انحرافات اطفال و نوجوانان جزو تکالیف والدین بوده و در آموزه‌های اسلامی و قوانین، ضمانت اجرای متناسب در خصوص عدم انجام این تکالیف تعیین گردیده است. البته قوانین اجتماعی در ادوار مختلف و متناسب با تحولات اجتماعی نیازمند به‌روزرسانی هستند. پدر و مادر هر دو به نحو مستقیم و غیرمستقیم و در قالب فعل و ترک فعل، در موضوع تربیت و پیشگیری از انحراف فرزندان مؤثر هستند (احمدیان، سماواتی و محسنی، ۱۴۰۰، ص ۶۵).

با این وصف در این پژوهش ضمن بررسی تمایز انحراف از بزهکاری و علل انحرافات در اطفال و نوجوانان، به مطالعه کارکرد و شیوه‌های مداخلات پیشگیرانه خانواده‌محور می‌پردازیم.

۱. تمایز مفهومی انحرافات از بزهکاری

واژه بزهکاری^۲ در لغت به معنای تخلف، قصور، کوتاهی و در اصطلاح نوعی قانون‌شکنی است که از حوزه شخصی خارج می‌شود و به عرصه عمومی مربوط می‌شود (آریان‌پور و کاشانی، ۱۳۶۲، ص ۲۵۲). بزهکاری به معنای شکستن قواعد یا قوانین ممنوع‌کننده‌ای است

۱. ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹.

که تنبیه یا مجازات مشروعی را به دنبال دارد و این مجازات‌ها مستلزم مداخله یک مرجع یا مقام عمومی (نهاد دولتی یا محلی) است (مارشال، ۱۳۸۸، ص ۲۷۷).

در عین حال انحراف عبارت است از کنش‌هایی که از هنجارها و ارزش‌های یک گروه اجتماعی ویژه پیروی نمی‌کند (کلدی، ۱۳۸۱، ص ۵۲). انحراف در میان مفاهیم جرم‌شناسی می‌تواند جایگاهی خاص بیابد و از این منظر می‌توان گفت که شخص منحرف همواره از قبل توجه به رفتارهای وی از بُعد حالت خطرناک و امکان ارتکاب جرم در آینده مورد مطالعه قرار گیرد. لذا یک شخص منحرف از دیدگاه جرم‌شناسی می‌تواند مجرم بالقوه‌ای باشد که در آینده‌ای دور یا نزدیک، اعمال منحرفانه خود را به رفتارهای خلاف قانون و مجرمانه بدل نماید. هر چند که منحرف امروز به قطع و یقین نمی‌تواند مجرم آینده باشد، اما جایگاه انحراف در جرم‌شناسی بسیار رفیع‌تر از این موضوع است (غفاری و اکبری، ۱۳۹۹، ص ۸۱). پدیده بزهکاری نوجوانان شامل انجام رفتارهای انحرافی و رفتارهای مجرمانه در دوران کودکی است. از دیدگاه رشدشناختی، الگوی پایدار این رفتارها که با تکرار زیاد و شدت بالا مشخص می‌شود، با تعامل میان عوامل اجتماعی و فردی در سراسر روند رشد فرد مرتبط است (Galinari, 2020, p.1). عواملی که باعث انحراف اطفال و نوجوانان می‌شود به دو نوع انگیزش درونی و بیرونی مربوط می‌شود. انگیزه درونی، تشویق یا میل در فردی است که نیازی به همراهی محرک‌های بیرونی ندارد و شخص ذاتاً به برخی پدیده‌های انحرافی علاقه‌مند است. انگیزه بیرونی، انگیزه‌ای است که از بیرون فرد می‌آید و در موارد متعددی گروه همسالان انگیزه ارتکاب جرم در اطفال و نوجوانان را تقویت می‌کنند (Alamsyah & Pillai, 2022, P.34). اگرچه انحرافات در اطفال و نوجوانان انواع مختلفی دارد، ولی شایع‌ترین نوع انحرافات در آنها انحرافات جنسی است (Kamarmir, 2023, p.91). همچنین خشونت و قلدری، تمایل به مصرف سیگار، مواد مخدر، داروهای روان‌گردان و مشروبات الکلی از شایع‌ترین انحرافات اطفال و نوجوانان می‌باشد.

۲. علت‌شناسی انحرافات در اطفال و نوجوانان

شکل‌گیری انحرافات در اطفال و نوجوانان نتیجه یک عامل مشخص نیست، بلکه مجموعه‌ای از عوامل به‌صورت زنجیروار در شکل‌گیری آن تأثیرگذار هستند. به‌منظور پیشگیری مؤثر ضرورت دارد تا شناخت کلی نسبت به عوامل داشته باشیم.



۲-۱. عوامل فردی - روان‌شناختی

برخی افراد دارای اختلال شخصیت هستند که این اختلال شخصیت منجر به شکل‌گیری و انجام اقداماتی در آنها می‌شود که ارتکاب جرائم را به همراه دارد. این عوامل ریشه در مسائل متعدد از جمله عوامل ژنتیکی و عوامل روان‌شناختی و شخصیتی دارد.

۲-۱-۱. عوامل زیستی - ژنتیک

موضوع تأثیرات ژنتیکی در گرایش اطفال و نوجوانان به انحرافات موضوعی محل مناقشه است. در واقع سال‌ها این دیدگاه وجود داشت که آیا عوامل ژنتیکی منجر به بروز رفتارهای بزهکارانه در افراد می‌گردد؟ و یا این تأثیر را بیشتر به آموزش و تأثیر فضایی که در آن کودک رشد می‌یابد نسبت می‌داند؟

مطالعات نشان می‌دهند که تغییرات بین‌فردی در صفات مرتبط با بزهکاری، مانند تکانش‌گری، پرخاشگری و جستجوی هیجان تا حد متوسط در حدود ۶۰-۴۰ درصد واریانس ژنتیکی دارند. این بدان معنا نیست که ژن‌های خاصی به‌طور مستقیم ژن جرم را رمزگذاری می‌کنند، بلکه استعداد ژنتیکی برای صفات روان‌شناختی واسطه‌ای است که خطر بزهکاری را افزایش می‌دهد (Lucaccioni et al, 2020, p.1).^۱ تأثیر ژنتیک به‌صورت جبری و قطعی نیست، بلکه عمدتاً از طریق تعامل پیچیده با عوامل محیطی بروز می‌یابد. مدل‌های معاصر بر مکانیسم‌های اپی‌ژنتیک و حساسیت افتراقی تأکید دارند. مطالعات نشان داد که مردان با فعالیت کم آنزیم که در کودکی قربانی بدرفتاری شدید شده بودند، به‌طور قابل توجهی احتمال بیشتری برای بروز رفتارهای خشونت‌آمیز در بزرگسالی داشتند، در حالی که آنان با همان ژنوتیپ، اما در محیطی سالم، چنین خطری را نشان نمی‌دادند. این یافته، تعامل جبران‌ناپذیر ژن و محیط را خنثی می‌کند (Field et al, 2020, p.3). بروز استعداد ژنتیکی و آسیب‌های اولیه در نهایت در سطح دستگاه عصبی و فیزیولوژیک فرد قابل مشاهده است. تحقیقات عصبی - زیستی بر ناهنجاری‌ها در دو سیستم اصلی یعنی اول، سیستم بازداری کنش‌گری رفتاری که با اضطراب و اجتناب از تنبیه مرتبط است و اغلب در بزهکاران کم‌کارکرد گزارش شده و منجر به کاهش ترس از عواقب منفی می‌شود. دوم، سیستم فعال‌سازی رفتاری که با جستجوی پاداش و رویکرد به محرک‌های مطلوب مرتبط است و ممکن است در برخی بزهکاران بیش‌فعال باشد، متمرکز است (Eshim, 2021, p.197). با این توصیف باید گفت که تأثیر ژنتیک از طریق تعامل پیچیده با عوامل محیطی بروز می‌یابد. بدین صورت که ژنتیک افراد را نه‌تنها در برابر

۱. برای مثال، ژن‌های مرتبط با سیستم‌های دوپامینرژیک و سروتونرژیک (مانند ژن‌های مربوط به کاتکول-ا-متیل‌ترانسفراز و ناقل سروتونین در تعدیل حساسیت به پاداش، تنظیم خلق و کنترل تکانه نقش دارند و واریانت‌های خاص آن‌ها در مطالعات متعددی با رفتارهای مخاطره‌آمیز و ضداجتماعی مرتبط دانسته شده‌اند.

تأثیرات محیط‌های پرخطر مانند سوءرفتار در کودکی، بلکه در برابر محیط‌های غنی و حمایتگر نیز حساس‌تر می‌کنند.

۲-۱-۲. عوامل روان‌شناختی و شخصیتی

یکی از کانون‌های اصلی مطالعات در تبیین انحرافات اطفال و نوجوانان، بررسی سازه‌های روان‌شناختی و الگوهای شخصیتی ثابت و نیمه‌ثابت است. در این میان، مفهوم خودکنترلی پایین به عنوان هسته مرکزی بسیاری از نظریه‌ها ظاهر می‌شود. بر اساس این دیدگاه، افرادی که از ظرفیت کمتری برای به تأخیر انداختن خواسته‌ها، ارزیابی عواقب بلندمدت اعمال و مهار تکانه‌های آنی برخوردارند، در مواجهه با فرصت‌های ارتکاب جرم، آسیب‌پذیرتر هستند (Guo et al, 2023, p.3). علاوه بر خودکنترلی، نقص در کارکردهای شناختی و هیجانی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند. این نقص می‌تواند شامل ضعف در همدلی، یعنی ناتوانی در درک و اشتراک احساسات قربانی، و نیز کاستی در تفکر اخلاقی باشد. برخی از نوجوانان دارای گرایش‌های انحرافی در سطوح پایین‌تری از رشد قضاوت اخلاقی قرار دارند که در آن، معیار عمل، اجتناب از تنبیه یا کسب نفع شخصی فوری است، نه درونی‌سازی اصول عدالت یا توجه به حقوق دیگران (Haana et al, 2022, p.10). کودکانی که از سنین پایین رفتارهای خشونت‌طلبانه از خود بروز می‌دهند، معمولاً در تعاملات اجتماعی خود دچار چالش بوده و برای حل تعارضات به روش‌های تهاجمی متوسل می‌شوند. این نوع الگوهای رفتاری، در صورت بی‌توجهی و تداوم، می‌توانند زمینه‌ساز بروز انحرافات در سنین بالاتر گردند. سازه مهم دیگر، مکانیسم‌های خنثی‌سازی و برکناری اخلاقی است. این فرآیندهای روانی به فرد اجازه می‌دهند تا پیش یا پس از ارتکاب عمل خلاف، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را به‌طور موقت معلق کند تا از تنش ناشی از تضاد رفتار با باورهایش بکاهد. استفاده مکرر از این تکنیک‌های خنثی‌سازی، دروازه‌ای روانی برای تداوم رفتارهای انحرافی بدون احساس گناه یا شرمساری می‌گشاید و فرد را به تدریج در چرخه بزهکاری مستحکم‌تر می‌کند (Chen, 2024, p.227). نوجوانی که به‌صورت مداوم در نقش متجاوز یا زورگو ظاهر می‌شود، در واقع در حال تثبیت نوعی نگرش سلطه‌جویانه نسبت به دیگران است که می‌تواند به‌مرور به بی‌اعتنایی به قوانین و هنجارهای اجتماعی منجر شود. این افراد معمولاً دارای میزان پایین‌تری از همدلی، کنترل هیجانی و مسئولیت‌پذیری هستند؛ عواملی که در نظریه‌های روان‌شناختی و جرم‌شناختی، از مؤلفه‌های اصلی بازدارنده در برابر ارتکاب جرم تلقی می‌شوند.

۲-۲. عوامل خرد

در این بخش به بررسی عوامل خرد که زمینه انحرافات در میان اطفال و نوجوانان را فراهم می‌سازند، خواهیم پرداخت و این مطالعه شامل ساختار و عملکرد خانواده و نفوذ گروه همسالان خواهد بود.

۲-۲-۱. ساختار و عملکرد خانواده

خانواده به‌عنوان نخستین نهاد اجتماعی، نقشی بنیادین در شکل‌گیری شخصیت، ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری کودک ایفا می‌کند؛ اختلال در عملکرد خانواده، بی‌توجهی، خشونت یا نبود نظارت می‌تواند زمینه‌ساز رفتارهای پرخطر شود.

با توجه به جایگاه خانواده، اطفال و نوجوانان تحت تأثیر افکار، عقاید و رفتار اعضای خانواده خود قرار می‌گیرند؛ چرا که خانواده در حکم کانالی است که طفل از طریق آن با فرهنگ جامعه خود مانوس می‌شود و شخصیت او شکل می‌گیرد (صالحی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۲۰). از منظر نظریه کنترل اجتماعی، خانواده از طریق ایجاد «پیوند» قوی با کودک، او را به رعایت هنجارها متعهد می‌سازد. زمانی که این پیوند به دلایلی مانند غیبت والدین، تعارض شدید یا طرد عاطفی ضعیف شود، یکی از اساسی‌ترین موانع درونی شده برای ارتکاب جرم از بین می‌رود (Eran, 2024, p.4). یکی از کلیدی‌ترین ابعاد عملکرد خانواده، سبک‌های فرزندپروری است. تحقیقات به‌طور ثابتی نشان می‌دهند که سبک‌های ناکارآمد، به‌ویژه سبک سهل‌گیرانه (اقتدار پایین و محبت متغیر) و سبک مستبدانه (اقتدار بالا و محبت پایین)، با نتایج منفی از جمله بزهکاری همراه هستند (Bhuiyan, 2024, p.258). خشونت‌های خانگی ممکن است مستقیماً علیه اطفال و نوجوانان اعمال شود و یا اطفال صرفاً و به‌طور غیرمستقیم در معرض خشونت‌های خانگی باشند. هر دو این موارد می‌تواند تروماهایی در آنها ایجاد کند و موجب شکل‌گیری و نهادینه شدن رفتارهایی گردد که زمینه‌ساز گرایش به جرائم مانع هستند. در صورتی که خشونت خانگی مستقیماً علیه اطفال اعمال شود از آن به کودک‌آزاری یاد می‌شود.

بی‌ثباتی ساختاری و اختلال در کارکردهای اساسی خانواده نیز از عوامل مؤثر است. مواردی مانند فقر مزمن، بیکاری طولانی‌مدت والدین، اعتیاد یکی از اعضا، طلاق تعارض‌آمیز و تک‌والد بودن همراه با فشارهای اقتصادی شدید، استرس خانواده را به سطحی بحرانی می‌رساند (Suha, 2023, p. 3-4). بر این مبنا در صورتی که محیط خانواده در دوران کودکی فرد، یک محیط سالم، مناسب و به سامان نباشد، گرایش این اطفال و نوجوانان به رفتارهای انحرافی و نابهنجار بسیار محتمل است.

۲-۲-۲. نفوذ گروه همسالان

همسالان به عنوان یکی از مهم‌ترین گروه‌های مرجع در دوران نوجوانی، تأثیر عمیقی بر رفتار و ارزش‌های فرد دارند. اگر محیط دوستی بر پایه هنجارهای مثبت و مسئولیت‌پذیری شکل بگیرد، نوجوانان نه تنها از همدیگر در برابر انحرافات اجتماعی محافظت می‌کنند، بلکه با تقویت روحیه همبستگی، انگیزه‌های بزهکاری را کاهش می‌دهند.

در دوران کودکی، گروه‌های کوچک دوستان دارای اهمیت هستند، اما در اوایل نوجوانی، مشارکت در جمعیت‌های مبتنی بر شهرت اهمیت بیشتری دارد. جمعیت، مجموعه‌های بزرگ‌تری از افراد هستند که تصویر یا وضعیت یکسانی را در میان همسالان خود به اشتراک می‌گذارند، حتی اگر زمان کمی را صرف تعامل با یکدیگر کنند. این تغییرات در ساختار گروه نشان می‌دهد که کودکان بزرگتر برای حمایت اجتماعی به گروهی از همسالان قابل اعتماد تکیه می‌کنند. اگرچه نوجوانان ممکن است به دوستان هم تکیه کنند، اما در تلاش برای به‌دست آوردن حس هویت گروهی نیز هستند (عبدالهی، ۱۴۰۳، ص ۴۲). گروه همسالان، عرصه‌ای برای آزمایش نقش‌های اجتماعی جدید، شکل‌دهی به هویت مستقل و ارزیابی توانایی‌های فرد در محیطی کمتر سلسله‌مراتبی فراهم می‌کند. در واقع در این مرحله از رشد، نیاز روانی عمیق به تعلق خاطر و کسب تأیید از سوی کسانی که هم‌سن و هم‌تجربه‌اند، جایگزین وابستگی عاطفی محض به خانواده می‌شود (Andreescu, 2019, p.57). اطفال و نوجوانان با الگوبرداری از رفتارها، نگرش‌ها و ارزش‌های همسالان خود، به تدریج تصویری از خویشتن اجتماعی خویش شکل می‌دهد. در این دوره، همسالان به‌عنوان آینه‌های هویتی عمل می‌کنند که بازخوردهای فوری، پذیرش یا طردشان مستقیماً بر خودپنداره فرد تأثیر می‌گذارد. عضویت در چنین گروهی به فردی که در عرصه‌های رسمی احساس شکست و حاشیه‌نشینی می‌کند، این فرصت را می‌دهد که هویتی قدرتمند و متمایز بسازد، حتی اگر این هویت برچسب «بزهکار» را به همراه داشته باشد (Bopp & Novisky, 2023, p.1829). با این وصف می‌توان گفت اطفال و نوجوانان به دلیل ویژگی‌های رشدی خاص، از جمله کنجکاوی بالا و عدم بلوغ کامل سیستم‌های کنترل شناختی، به راحتی تحت تأثیر رفتارهای پرخطر اطرافیان خود قرار می‌گیرند. این مسئله به‌ویژه زمانی تشدید می‌شود که فرد تحت تأثیر همسالانی قرار بگیرد که رفتارهای نابهنجار در آن‌ها عادی‌سازی شده است. در چنین شرایطی، حتی نوجوانانی که سابقه بزهکاری ندارند نیز ممکن است به تدریج به سمت رفتارهای انحرافی سوق داده شوند.

۳-۲. عوامل کلان- ساختاری

عوامل کلان ساختاری از علل دیگر انحرافات در اطفال و نوجوانان است که شامل عوامل اجتماعی- اقتصادی، عوامل فرهنگی و عوامل مجازی و رسانه‌ای می‌باشد و ذیلاً مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۳-۲-۱. عوامل اجتماعی- اقتصادی

مهم‌ترین عامل کلان اجتماعی- اقتصادی مؤثر بر بزهکاری، وجود نابرابری‌های ساختاری عمیق و احساس محرومیت نسبی است. بر اساس نظریه‌های فشار، هنگامی که اهداف فرهنگی مشترک جامعه مانند دستیابی به ثروت، موفقیت و منزلت از طریق راه‌های مشروع و نهادی شده مانند تحصیلات باکیفیت و شغل مناسب برای بخش قابل توجهی از جوانان و نوجوانان به‌ویژه در مناطق محروم، غیرقابل دسترس می‌نماید، حالت نابسامانی اجتماعی یا «آنومی» ایجاد می‌شود. این وضعیت، انگیزه قوی برای نوآوری انحرافی فراهم می‌آورد (Abhishek, 2024, p.10). فقر مادی مستقیم و مزمن، فراتر از یک کمبود مالی ساده، مجموعه‌ای از شرایط مخاطره‌آمیز را ایجاد می‌کند که مستقیماً بر رفتار نوجوان تأثیر می‌گذارد. زندگی در خانوارهای فقیر اغلب با سوءتغذیه، دسترسی ناکافی به مراقبت‌های بهداشتی و درمانی، و زندگی در اماکن کوچک و پرتراکم همراه است که این‌ها استرس‌های عصبی- روانی مزمن را افزایش می‌دهند. حالتی که میل به رفتارهای انحرافی را در اطفال و خصوصاً نوجوانان ایجاد می‌نماید (Campbell, 2020, p.517). ناامنی اقتصادی خانواده، از طریق مکانیسم‌های روانی- اجتماعی، خطر بزهکاری را تشدید می‌کند. بیکاری طولانی‌مدت یا مشاغل کاذب و کم‌درآمد والدین، نه تنها باعث تنش و تعارض درون خانوادگی و کاهش کیفیت نظارت والدینی می‌شود، بلکه مدل‌های نقش اقتصادی ناموفقی را به نوجوان ارائه می‌دهد. این ناکامی‌های انباشته شده در سیستم آموزشی و بعداً در بازار کار، آنان را در همان موقعیت محروم والدین یا حتی موقعیتی بدتر قرار می‌دهد. این حس گیر افتادن در چرخه فقر و ناتوانی در تغییر سرنوشت، می‌تواند احساس ناامیدی و بی‌تفاوتی نسبت به آینده ایجاد کند که خود یکی از زمینه‌سازهای مهم رفتارهای بی‌قید و تخطی از هنجارهاست (Charles, 2023, p.171). با این توصیف می‌توان این‌گونه بیان نمود که محرومیت‌های اجتماعی و به‌طور خاص محرومیت‌های اقتصادی، چرخه معیوبی ایجاد می‌کنند که شکل‌گیری انحرافات در اطفال و نوجوانان منجر می‌شود.

۲-۳-۲. نقش عوامل فرهنگی

در جوامعی که شاهد تغییرات سریع فرهنگی و ارزشی هستند، نوجوانان اغلب در معرض سیستم‌های هنجاری متعارض و گاه متناقضی قرار می‌گیرند. نوجوان در فرآیند جامعه‌پذیری با پیام‌های دوگانه و غیرمنسجمی مواجه است که چه رفتارهایی مناسب، مشروع و پسندیده هستند. این نابسامانی، فرآیند درونی‌سازی قواعد اخلاقی و اجتماعی یکپارچه را مختل می‌کند و می‌تواند باعث تضعیف پایبندی فرد به مجموعه مشخصی از هنجارها شود. در چنین فضایی، احتمال گرایش به ساده‌ترین یا لذت‌بخش‌ترین الگوهای رفتاری که گاه همان الگوهای انحرافی هستند افزایش می‌یابد (Christian, 2018, p.5). ایجاد تعادل میان فرهنگ‌های سنتی یک جامعه و تغییرات فرهنگی ناشی از مدرنیته در نسل نوجوان موضوعی است که ممکن است با چالش‌هایی همراه باشد. پذیرش رویکردهای سنتی ممکن است اغلب با مقاومت از سوی اطفال و به‌ویژه نوجوانان همراه باشد. در عین حال پذیرش رویکرد مدرن در یک جامعه نیز ممکن است با مقاومت از سوی جامعه سنتی مواجه شود. این تعارض می‌تواند موجبات فاصله میان اطفال و نوجوانان و نهادهای جامعه‌پذیر کننده را ایجاد نماید.

در فرآیند جهانی‌شدن و گسترش بی‌سابقه رسانه‌های جمعی و دیجیتال، بعد جدیدی به عوامل فرهنگی مؤثر بر بزهکاری افزوده است. رسانه‌ها اغلب با نمایش افراطی و عاری از پیامد سبک زندگی مصرفی، ثروت سریع و موفقیت‌های فردی مبتنی بر شهرت آنی، آرزوها و توقعات غیرواقع‌بینانه‌ای در نوجوانان ایجاد می‌کنند. هم‌زمان، خشونت در قالب فیلم، بازی‌های رایانه‌ای و محتوای شبکه‌های اجتماعی، می‌تواند کاهش حساسیت اخلاقی و عادی‌سازی پرخاشگری را به همراه داشته باشد (Ehmke, 2023, p.3). در واقع تأثیرات فرهنگی از شیوه‌های مختلف بر ذهن اطفال و نوجوانان تأثیر می‌گذارد و شخصیت آنان را شکل می‌دهد. از خانواده، مدرسه و محله‌ای که در زندگی می‌کنند تا رسانه و فضای مجازی ابزارهای انتقال فرهنگ هستند. اینکه چه فرهنگی در کاهش و یا افزایش انحرافات اطفال و نوجوانان تأثیر دارد البته در جوامع مختلف متفاوت است.

۲-۳-۳. عوامل مجازی و رسانه‌ای

در عصر حاضر، فضای مجازی تنها یک ابزار ارتباطی نیست، بلکه به یک زیست‌بوم اجتماعی ثانویه تبدیل شده است که قوانین، هنجارها و پویایی‌های تعاملی خاص خود را دارد. این فضا با ویژگی‌هایی چون گمنامی نسبی، کاهش بازدارندگی‌های اجتماعی، دسترسی نامحدود و سرعت انتشار بالا، بستر بی‌بدیلی برای شکل‌گیری و گسترش رفتارهای انحرافی فراهم می‌کند (Defoe, 2020, p.695). رسانه‌ها و فضای مجازی از طریق چند مکانیسم کلیدی، خطر انحرافات را افزایش می‌دهند. این شامل نخست، مکانیسم عادی‌سازی و کاستی حساسیت،

دوم، مکانیسم آموزش و الگوسازی و سوم، مکانیسم تحریک و برانگیختگی هیجانی است (Cappelli, 2021, p.547). تعامل افراطی و بدون نظارت با فضای مجازی می‌تواند به پیامدهای روان‌اجتماعی عمیقی منجر شود که خود از عوامل زمینه‌ساز انحرافند. گسست از واقعیت و افت عملکرد در نقش‌های واقعی مانند دانش‌آموزی یا عضویت در خانواده می‌تواند شکاف بین فرد و سیستم‌های حمایتی سنتی را تشدید کند. همچنین، فضای مجازی صحنه شکل‌گیری بحران هویت دیجیتال است؛ نوجوان ممکن است برای کسب تأیید، اقدام به ساخت و انتشار محتوای غیراخلاقی، خشونت‌آمیز یا هتاکانه کند تا هویت مطلوب مجازی خود را بسازد. این فرآیند، مرز بین رفتار قابل قبول و غیرقابل قبول را برای او مخدوش می‌کند (Azami, 2023, p.474). فضای مجازی در قالب پلتفرم‌های مختلف ممکن است زمینه‌ساز انحرافات باشد. برخی از پلتفرم‌ها صرفاً تصاویر و کلیپ‌های پورن نمایش می‌دهند که برای اطفال و نوجوانان می‌تواند زمینه‌های انحرافات جنسی را فراهم کند. در عین حال برخی پلتفرم‌ها با نمایش بازی‌ها و فیلم‌های خشن زمینه‌های انحرافات رفتاری خشن در مواجهه با همسالان را ایجاد می‌کند. همچنین برخی پلتفرم‌ها مانند اینستاگرام با برجسته نمودن رفتارهای اینفلوئنسرها، الگوهای زندگی آنان را به نحوی ترویج می‌کند که اطفال و نوجوانان سبک زندگی آنان را هرچند انحرافی می‌پذیرند و دنبال می‌کنند. اینکه تا چه اندازه مرز میان رفتار انحرافی و غیر انحرافی در دنبال کردن این موضوعات در فضای مجازی مشخص است یا خیر، امری است که حتی ممکن است برای والدین نیز مبهم باشد و در مواقع ضروری نتواند توصیه صحیح را به اطفال و نوجوانان بنماید.

۳. مداخلات خانواده محور از انحرافات اطفال و نوجوانان

برای درک بهتر مداخلات خانواده محوری یا پیشگیری خانواده محور ضرورت دارد تا ماهیت و طرق مداخلات خانواده‌محور از انحرافات اطفال و نوجوانان مورد بررسی قرار گیرد.

۳-۱. مدل‌های مختلف پیشگیری

جرم‌شناسی پیشگیرانه شاخه‌ای از جرم‌شناسی کاربردی است که موضوع آن تعیین مؤثرترین وسایل برای تأمین پیش‌گیری از جنایت در مقیاس کل جامعه یا جمعیتی محدودتر مثلاً یک شهر یا یک محله بدون توسل به ارباب عمومی به‌وسیله تهدید کیفری می‌باشد (گسن، ۱۳۷۰، ص ۶۸). برای اقدامات پیشگیرانه چهار ویژگی قابل تصور است. نخست اینکه عمل زشت، ناهنجار و تقبیح شده‌ای (جرم) در شرف وقوع باشد؛ دوم اینکه چنین کاری توسط ادراک و حواس انسان قابل پیش‌بینی باشد؛ سوم اینکه بیشتر اقدامات پیشگیرانه خارج از مرزهای سیستم عدالت کیفری باشد و چهارمین نکته هم این است که مداخلات قبل از وقوع عمل

مجرمانه انجام شده باشد (محمد نسل، ۱۳۹۳، ص ۱۱۶). در کنار این موارد، یک رکن اساسی پیشگیری، معطوف به مداخلاتی است که مستقیماً ظرفیت‌ها و کارکردهای روانی خود نوجوان را هدف قرار می‌دهد. در این رویکرد، آموزش و تقویت مهارت‌های شناختی- رفتاری نقشی محوری دارد^۱. این فرآیند، جایگزین الگوی فکری تکانشی و تک‌بعدی می‌شود که اغلب به خشونت یا قانون‌شکنی منجر می‌گردد (Carmmel Taricka, 2024, p.7). شناخت شیوه‌های مختلف پیشگیری کمک می‌نماید تا در مواقع لازم شیوه صحیح پیشگیری اعمال گردد. در واقع شیوه‌های مجازات محور در قالب پیشگیری کیفری در قبال اطفال و نوجوانان کارآمدی لازم را ندارد و اعمال شیوه‌های پیشگیرانه غیرکیفری اثر و کارآمدی بیشتری نسبت به پیشگیری از انحرافات در اطفال و نوجوانان دارد. از میان این موارد پیشگیری رشدمدار دارای اهمیت بیشتری است که به نقش و تأثیر آن در موضوع پژوهش می‌پردازیم.

۲-۳. برنامه‌های خانواده‌محور در پیشگیری از جرایم و انحرافات اطفال و نوجوانان

رشد روزافزون بزهکاری در قشر کودک و نوجوان بیم و نگرانی‌های زیادی را موجب شده است، متخصصین امر برای رویارویی با این معضل به راه‌های گوناگونی توسل جسته‌اند؛ در این راستا یکی از گزینه‌های پیش‌رو که بسیار بر آن تأکید شده پیشگیری زودرس است (منصوری، ۱۳۸۹، ص ۶). در سطح پیشگیری رشدمدار (رشد-محور)، تمرکز بر مداخلات زودهنگام و همگانی از طریق آموزش مهارت‌های زندگی، فرزندپروری مؤثر و غربالگری اختلالات رفتاری در مدارس قرار دارد (Ponomareva, 2021, p.4). از همین رو، پیشگیری رشدمدار به معنای مداخله در دوره‌های مختلف رشد اطفال و نوجوانان در معرض بزهکاری به‌منظور پیشگیری از تمایل و گرایش آنان به ارتکاب جرم بوده و شامل اقداماتی است که ناظر به گروه خاص کودکان و نهادهای اولیه جامعه‌پذیری مانند خانواده، مدرسه و گروه همسالان است و هدف آن از بین بردن یا بهبود عوامل خطر بزهکاری و نیز ایجاد عوامل حمایتی برای تقویت مقاومت افراد در مقابل گرایش به بزهکاری در آینده است (متولی‌زاده نائینی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۳). پیشگیری رشدمدار یا زودرس به دنبال شناخت اطفال، نوجوانان و جوانان در معرض خطر و اتخاذ اقدامات مناسب برای دور کردن آنها از وضعیت خطرناک است. پیشگیری رشدمدار با رویکرد خانواده‌محور مانند دیگر برنامه‌های پیشگیری رشدمدار، با مداخله در مراحل مختلف رشد کودک و نوجوان از طریق به‌کارگیری عوامل حمایتی در برابر عوامل خطرناک ناهنجاری و جرم، موجب خنثی یا ضعیف شدن تمایلات منحرفانه و مجرمانه‌شده و

۱. برنامه‌هایی مانند آموزش حل مسئله اجتماعی، به نوجوان می‌آموزد که چگونه موقعیت‌های مبهم یا تحریک‌کننده مانند یک توهین یا دعوت به بزه را به‌درستی ارزیابی کند، راه‌حل‌های متعدد و پیامدهای هر یک را بررسی نماید و سپس کارآمدترین و کم‌خطرترین پاسخ را انتخاب کند.

خا‌ل‌های شناختی اطفال و نوجوانان را برطرف می‌کند (خسروشاهی، پوربافرانی و داوودی، ۱۳۹۳، ص ۱۶). پیشگیری رشدمدار در واقع به‌عنوان یکی از گونه‌های پیشگیری، به‌صورت تخصصی در پی جلوگیری و ممانعت از بزهکار شدن اطفال است. در این راستا خانواده و مدرسه که مهم‌ترین محیط‌های پیرامون اطفال و نوجوانان بوده و نقش اساسی در خصوص جامعه‌پذیری و شکل‌گیری شخصیت آنان دارند و در فرآیند پیشگیری رشد مدار از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

از مهم‌ترین ویژگی‌های پیشگیری رشدمدار این است که مداخلات پیشگیری در آن زودرس و بستر اجرای آن، طفل، خانواده و مدرسه است؛ یعنی علاوه بر شخص، محیط اطراف وی نیز مورد توجه عملیات پیشگیری قرار می‌گیرد. ویژگی دیگر این است که این نوع پیشگیری جنبه تربیتی و فنی داشته و اختلالات رفتاری و روانی طفل هدف قرار می‌گیرد. قدرت شناخت و تمییز طفل تقویت‌شده و مانع عقب‌ماندگی شخص می‌شود. این اختلالات رفتاری ممکن است ناشی از قصور والدین در تربیت، قصور اولیا مدرسه در تعامل با طفل و یا ناشی از تعامل قهرآمیز و منفی بین نوجوانان و گروه دوستان باشد. از دیگر ویژگی‌های مهم این پیشگیری آموزش مهارت‌های اجتماعی به طفل و والدین اوست (نجفی ابراندآبادی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۷۵). در این فرآیند نقش پیشگیری خانواده محور به‌عنوان اولین محل زندگی و رشد اطفال و نوجوانان دارای اهمیت خاص است. نقش والدین در تربیت فرزندان و ایجاد محیطی امن که رشد کودکان را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد می‌تواند در تربیت صحیح اطفال و نوجوانان و پیشگیری از انحرافات آنان با مداخلات به‌موقع نقش بسزایی را در این زمینه ایفاء نماید که ذیلاً بیشتر به آن می‌پردازیم.

۳-۳. شیوه‌های مداخلات خانواده‌محور

در مرحله کودکی، پیشگیری رشدمدار بر تقویت بنیان‌های شناختی، هیجانی و اجتماعی کودک و همچنین توانمندسازی خانواده متمرکز است. برنامه‌هایی مانند آموزش مهارت‌های فرزندپروری به والدین، دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و تغذیه‌ای و حضور در مهدکودک‌های باکیفیت می‌تواند تأثیر شگرفی داشته باشد (Catalano et al, 2021, p.67).^۱ پیشگیری خانواده‌محور، رویکردی بنیادین و مبتنی بر شواهد است که خانواده را به‌عنوان مؤثرترین و کارآمدترین نهاد برای پیشگیری اولیه و ثانویه از انحرافات مورد هدف قرار می‌دهد. فلسفه محوری این رویکرد، تقویت کارکردهای محافظتی درون خانواده و ترمیم یا

۱. برای مثال، برنامه‌های معرفی نشان داده‌اند که سرمایه‌گذاری کیفی در این سال‌های حساس، می‌تواند نرخ بزهکاری و انحرافات را در نوجوانی و بزرگسالی به‌طور قابل‌توجهی کاهش دهد، زیرا به رشد خودتنظیمی، افزایش ضریب هوشی و ایجاد دل‌بستگی ایمن کمک می‌کند

کاهش عوامل خطرزای خانوادگی پیش از آن است که این عوامل به رفتارهای ضداجتماعی در اطفال و نوجوانان بیانجامد (Baz, 2020, p.3). به‌طور عمده، برنامه‌های پیشگیرانه رشد‌مدار در سطح خانواده شامل مدیریت خانواده‌ها (عدم تبیین انتظارات صحیح رفتاری از اطفال، نظارت یا پایش ضعیف و نظم و انضباط‌های سخت‌گیرانه و متعارض با یکدیگر) و سطوح بالایی مشاجرات خانوادگی می‌باشد (صادقی، وروایی و جعفری، ۱۴۰۲، ص ۵).

شناسایی نقش خانواده در جامعه و آموزش و تربیت اطفال و نوجوانان موضوعی است که سازمان ملل از زمان وضع میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ مکرر بر آن اصرار داشته است^۱ (اردبیلی، ۱۳۷۸، ص ۳۲۰). در متون دینی به‌منظور پیشگیری از انحرافات و پرورش رفتارهای سالم در بین اطفال و نوجوانان، به والدین به‌عنوان نزدیک‌ترین افراد به آنان، آموزش‌هایی داده شده است. در این آموزش‌ها به دو دسته عوامل خانوادگی و محیطی (اجتماعی و فرهنگی) توجه ویژه شده است. در مورد دسته اول رفتارهای پوششی در خانواده، عفاف کلامی و جلوگیری از بیان کلمات سخیف جنسی هنگام خشم و ناراحتی نسبت به کودکان و نسبت به یکدیگر (بین پدر و مادر) و حجاب اتاق‌خواب و مراقبت‌های ویژه در مورد کنجکاوی‌های اطفال و نوجوانان در مسائل جنسی، تنزیه محیط زندگی از تحریکات جنسی، پرهیز والدین از رفتارهای کلامی و غیرکلامی نابهنجار در مقابل کودکان، از جمله آموزش‌ها در این زمینه است (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۲۷). از این اتخاذ شیوه‌هایی در خانواده که بتواند از بروز رفتارهای انحرافی ممانعت ایجاد کند دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد که ذیلاً به آن می‌پردازیم.

۳-۳-۱. آموزش مهارت‌های زندگی

یکی از کارکردهای خانواده در پیشگیری از انحرافات اطفال و نوجوانان آموزش مهارت‌های زندگی می‌باشد. مهارت زندگی در واقع به‌نوعی ابزاری است که افراد را برای ارتباط‌گیری توانمند می‌سازد و آنها را در مسیر دوست‌یابی، کمک گرفتن، یادگیری، برآورده کردن نیازها، ارتباطات سالم و خود محافظتی یاری می‌رساند. به‌طور کلی مهارت اجتماعی تعامل هماهنگ با جامعه است و اهمیت مهارت‌های زندگی و تأثیر آن در یادگیری در نسل جدید اهمیت بالایی دارد.

والدین، نخستین و تأثیرگذارترین الگوهای جامعه‌پذیری هستند و کیفیت تعاملات، نظارت و حمایت درون خانوادگی، تعیین‌کننده اصلی مسیر رشد اجتماعی- اخلاقی فرزند محسوب

۱. ماده ۱۰ این میثاق مقرر می‌دارد «خانواده که واحد طبیعی و اساسی جامعه است باید از حمایت و مساعدت به‌حداعلای ممکن برخوردار گردد، به‌ویژه برای تشکیل و استقرار آن و مادام که مسئولیت نگاهداری و آموزش کودکان خود را به عهده دارد.»

می‌شود؛ بنابراین، سرمایه‌گذاری بر ارتقای کیفی محیط خانواده، مؤثرترین راه برای شکستن چرخه انتقال بین‌نسلی بزهکاری و ایجاد تاب‌آوری در نوجوانان است. یکی از مؤلفه‌های کلیدی این رویکرد، اجرای برنامه‌های آموزش مهارت‌های والدینی با کیفیت و ساختاریافته است (Baz, 2020, p.4). مداخلات در سنین پایین‌تر حتی از دوران پیش از تولد و کودکی اولیه، بازدهی بسیار بیشتری دارد. همچنین، محتوای برنامه‌ها و مهارت‌های زندگی باید با بافت فرهنگی، ارزش‌ها و باورهای جامعه محلی سازگار شود تا پذیرش و مشارکت خانواده‌ها افزایش یابد. مهم‌تر از آن، این نوع پیشگیری نباید منزوی عمل کند، بلکه باید به‌طور سیستماتیک با سایر نهادهای اجتماعی مانند مدرسه، سیستم بهداشتی-درمانی و خدمات بهزیستی پیوند بخورد تا حمایت همه‌جانبه‌ای از خانواده انجام شود. این هماهنگی بین‌بخشی، امکان شناسایی به‌موقع خانواده‌های نیازمند، ارجاع مناسب و پیگیری مستمر را فراهم می‌سازد و از پراکندگی و موازی‌کاری خدمات جلوگیری می‌کند (Atilola, 2021, p.10). آموزش مهارت‌های زندگی را به‌عنوان طرح جامع پیشگیری اولیه و ارتقای سطح بهداشت روانی اطفال و نوجوان در کشورهای مختلف دنیا معرفی نموده‌اند. همچنین تصمیم‌گیری فعالانه بر مبنای آگاهی از حقایق کارهایی که انتخاب را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تصمیم‌گیری بر مبنای ارزیابی دقیق موقعیت‌ها، تعیین و انتخاب اهداف واقع‌بینانه برای زندگی، برنامه‌ریزی و پذیرش مسئولیت اعمال خود و آمادگی برای تغییر دادن تصمیم‌ها برای انطباق با موقعیت‌های جدید، شاخه‌های فرعی این مهارت هستند (شاه احمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۵). موضوع حق بر سلامت خصوصاً سلامت روانی، خصوصاً سلامت روانی اطفال و نوجوانان، امری است که در اسناد بین‌المللی مانند اساسنامه سازمان بهداشت جهانی، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به آن تأکید شده است (شاملو حسینی، ۱۳۹۹، ص ۷۲-۷۳). اعمال خشونت و قلدری از جمله آسیب‌های سلامت روان در اطفال و نوجوانان است که ممکن است از طریق بازی‌های رایانه‌ای ایجاد یا گسترش یابد. تحقیق در مورد کارکرد مغز، رابطه میان خشونت رسانه‌ای و پرخاشگری را روشن ساخته است (دیل و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۶۸). همچنین رسانه‌های اجتماعی بستری را فراهم می‌کنند که از طریق آن کاربران ممکن است در معرض رفتارهای پرخطر و انحرافات قرار گیرند (شفیعی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۸۹). با این وصف آموزش مهارت‌های زندگی در گرایش اطفال و نوجوانان به رفتارهای سالم دارای اهمیت است و به فعالیت‌های اطفال و نوجوانان جهت داده و موجبات سرگرمی و در عین حال پرداختن به یادگیری‌های لازم و ضروری را فراهم می‌نماید. در این صورت ذهن و انرژی اطفال و نوجوانان صرف یادگیری موضوعاتی می‌گردد که برای رشد و تعالی در زندگی ضروری بوده و از درگیر شدن به امور انحرافی دور می‌شوند.

۳-۲. افزایش مسئولیت‌پذیری در اطفال و نوجوانان

مسئولیت‌پذیری یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که باید در اطفال و نوجوانان تقویت شود. این صفت به آن‌ها کمک می‌کند تا در آینده به افرادی مستقل و قادر به مدیریت زندگی خود تبدیل شوند. راهکارهای تقویت مسئولیت‌پذیری شامل ارائه الگوهای مناسب، تشویق به مشارکت در فعالیت‌های گروهی و تمرین مدیریت زمان و برنامه‌ریزی است. آموزش آگاهی از عواقب به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا تصمیم‌گیری‌های آگاهانه‌تری داشته باشند و پیامدهای اعمال خود را در نظر بگیرند (صبوری و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۳۱۶۰). همچنین مسئولیت‌پذیری و آموزش این امر به اطفال و نوجوانان تأثیرات عمیقی بر کاهش رفتارهای انحرافی دارد. مسئولیت در قبال امن و سالم نگه‌داشتن جامعه‌ای که در آن زندگی و رشد می‌کنند می‌تواند گرایش آنها به انحرافات و به دنبال آن رفتارهای بزهکارانه را کاهش دهد.

واقعیت آن است که مسئولیت‌پذیری یکی از جنبه‌های مهم از رشد شخصیت اطفال و نوجوان است. اطفال و نوجوانان به‌مرور زمان درک می‌کنند که باید انتظاراتی که دیگران از آنها دارند را برآورده سازد و به نیازهای دیگران اهمیت داد. این روند یک تصور ایدئال در ذهن آنها ایجاد می‌کند که باعث رشد شخصیت می‌شود و حس مسئولیت‌پذیری را در اطفال و نوجوانان بیشتر می‌کند. یکی از راه‌ها برای آموزش مسئولیت‌پذیری به این است که در فعالیت‌های یادگیری به آنها حق انتخاب بدهیم (خلیلی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۴۹). در واقع حق انتخاب به اطفال و نوجوانان در کنار آگاهی‌بخشی به آنان کمک می‌نماید که آنان در انتخاب رفتار سالم تحت فشار قرار نگیرند. تحمیل انجام یک رفتار خاص موجب می‌گردد تا در زمانی که امکان انتخاب دارند لزوماً رفتار غیرانحرافی را انتخاب نکنند. بر این مبنا برگزیدن رفتار غیرانحرافی ناشی از آگاهی و با داشتن حق انتخاب نشان از درک مسئولیت رفتار اشتباه توسط اطفال و نوجوانان دارد.

با این حال افزایش مسئولیت‌پذیری توأم با اقتدار شاید در کوتاه‌مدت یا در حضور والدین مانع از رفتارهای انحرافی اطفال و نوجوانان گردد، اما در طولانی‌مدت یا در خفاء نمی‌تواند به‌عنوان یک عامل پیشگیرانه اعمال گردد. والدین زمانی می‌توانند با افزایش مسئولیت‌پذیری در کودکان و نوجوانان منجر به پیشگیری از رفتارهای انحرافی در آنها شوند که آگاهی‌بخشی به آنها نسبت به عواقب کارها همراه باشد. بر این مبنا افزایش مسئولیت‌پذیری توأم با آگاهی‌بخشی توسط والدین می‌تواند به‌عنوان یک عامل پیشگیری خانواده محور از انحرافات اطفال و نوجوانان تلقی گردد.

۳-۳-۳. آگاهی‌بخشی و توانمندسازی والدین

توانمندسازی والدین پیرامون مداخلات به‌موقع به‌منظور پیشگیری از انحرافات اطفال و نوجوانان در وهله اول شامل آگاهی‌بخشی به آنان پیرامون ماهیت انحرافات و عواقب آن می‌باشد؛ یعنی والدین اول باید از ماهیت انحرافات و شیوه‌های پیشگیرانه آن آگاه باشند تا به اهمیت و نقش خود واقف شوند. در کنار این امر توانمندی اقتصادی والدین نیز دارای اهمیت باشد.

وضعیت اقتصادی خانواده، نظارت و کنترل خانواده و الگوهای اخلاقی و تربیتی خانواده بر رفتارهای انحرافی و بزهکارانه اطفال و نوجوانان مؤثر می‌باشد. همچنین از نگاه آنان، اطفال و نوجوانان کاربر فضای مجازی بیشترین گرایش به ارتکاب انحرافات مربوط به عفت عمومی و هتک حیثیت داشته و نیز یکی از بالاترین آمار بزهکاری اطفال و نوجوانان مربوط به جرم خشونت خیابانی می‌باشد (حاجی‌تبار فیروزجائی، کردی حاجی و کلانتری، ۱۴۰۱، ص ۲۳۱). توانمندسازی والدین نیازمند حمایت‌های نهادهای جامعه‌پذیرکننده می‌باشد. در مسیر پیشگیری از انحرافات اطفال و نوجوانان در پاره‌ای موارد اقدامات تخصص‌محور در شناسایی نوع وجود و نوع انحراف و همچنین شیوه پیشگیری از آن دارای اهمیت می‌باشد. یکی از مؤلفه‌های این امر ارائه خدمات حمایتی و مددکاری اجتماعی است.

کنترل خشم و عدم استفاده از تنبیه از جمله اقداماتی است که در پیشگیری از انحرافات در اطفال و نوجوانان نقش دارد. این امر ممکن است نیازمند پرورش و رشد هوش هیجانی در والدین باشد. در واقع هوش هیجانی مهارتی است که دارنده آن می‌تواند از طریق خودمدیریتی، آن را بهبود بخشیده و توانایی کنترل عواطف و احساسات خود را داشته باشد (قبادیان، کوله‌مرزی و مرادی، ۱۴۰۰، ص ۱۷۵).

خدمات حمایتی و مددکاری اجتماعی ماهیتی پیشگیرانه دارند، به خانواده‌هایی ارائه می‌شوند که با چندین عامل خطر هم‌زمان مانند فقر مزمن، اعتیاد والدین، خشونت خانگی، یا سابقه بزهکاری روبه‌رو هستند. مداخلاتی مانند مراقبت‌های خانگی توسط مددکاران آموزش‌دیده، درمان سوء‌مصرف مواد برای والدین، کمک‌های مالی مشروط و اتصال خانواده به شبکه خدمات اجتماعی می‌تواند از فروپاشی کامل کارکردهای خانواده جلوگیری کند^۱. مطالعات طولانی‌مدت نشان داده این برنامه نرخ بزهکاری نوجوانان را تا ۵۰ درصد کاهش داده است (Abhishek, 2024, p.102). توانمندسازی والدین ابعاد مختلفی دارد که بر پیشگیری از انحرافات اطفال و نوجوانان تأثیر می‌گذارد. این توانمندسازی نه‌تنها شامل آگاهی‌بخشی به

۱. یک نمونه کلاسیک، برنامه است که در آن پرستاران از دوران بارداری مادر تا دوسالگی کودک، از خانواده‌های محروم در خانه‌شان مراقبت و حمایت می‌کنند.

آنها پیرامون ماهیت انحرافات و شیوه‌های مداخله مؤثر است بلکه شامل توانمندسازی اقتصادی والدین نیز می‌باشد. فقر در خانواده از مهم‌ترین موانع مداخلات خانواده‌محور مؤثر است. در عین حال پیرامون خانواده‌های آسیب‌دیده مانند خانواده‌هایی که درگیر اعتیاد هستند یا خانواده‌هایی که درگیر خشونت خانگی یا رفتارهای انحرافی هستند این امر به حمایت و کمک بیشتری نیاز دارد. در واقع در اینجا توانمندسازی خانواده بدو شامل حل مشکلات و ایجاد یک خانواده سالم است تا بتواند نقش پیشگیرانه خود را به خوبی اجرا نماید.

بحث و نتیجه‌گیری

انحرافات در اطفال و نوجوانان از مهم‌ترین مسائل اجتماعی در جوامع معاصر به‌شمار می‌آید که ممکن است زمینه‌ساز بزهکاری باشد. همچنین شناخت دقیق عوامل مؤثر بر شکل‌گیری رفتارهای انحرافی در میان اطفال و نوجوانان می‌تواند نقش مهمی در طراحی و اجرای سیاست‌های پیشگیرانه، اصلاحی و حمایتی ایفا نماید. علل رفتار انحرافی را باید در گسیختگی‌ها و عدم تعادل و بی‌سازمانی در سازمان‌های اجتماعی مشاهده نمود. در واقع انحرافات، بزهکاری و جرم بر افراد جامعه عارض نشده بلکه بر گروه‌بندی اجتماعی عارض می‌شود. مفهوم طفل و نوجوان محل مناقشه بوده و در مقررات مختلف، نظرات متفاوتی دیده می‌شود. در عین حال نقش خانواده در گرایش اطفال و نوجوانان به انحرافات و همچنین پیشگیری از آن دارای اهمیت است. انحراف عبارت است از کنش‌هایی که از هنجارها و ارزش‌های یک گروه اجتماعی ویژه پیروی نمی‌کند. اگرچه انحرافات در اطفال و نوجوانان انواع مختلفی دارد، ولی شایع‌ترین نوع انحرافات در آنها انحرافات جنسی، خشونت و قلدری، تمایل به مصرف سیگار، مواد مخدر، داروهای روان‌گردان و مشروبات الکلی می‌باشد. شکل‌گیری انحرافات در اطفال و نوجوانان نتیجه یک عامل مشخص نیست، بلکه مجموعه‌ای از عوامل به‌صورت زنجیروار در شکل‌گیری آن تأثیرگذار هستند. این عوامل ریشه در عوامل فردی - روان‌شناختی (شامل عوامل ژنتیکی و عوامل روان‌شناختی و شخصیتی)، عوامل خرد (شامل ساختار و عملکرد خانواده و نفوذ گروه همسالان) و عوامل کلان ساختاری (شامل عوامل اجتماعی - اقتصادی، عوامل فرهنگی و عوامل مجازی و رسانه‌ای) می‌باشد. با توجه به اهمیت خانواده و نقش آن در پیشگیری از انحرافات اطفال و نوجوان و به‌منظور درک بهتر پیشگیری خانواده‌محور ماهیت و طرق مداخلات خانواده‌محور از انحرافات اطفال و نوجوانان مورد بررسی قرار گرفت. برای اقدامات پیشگیرانه چهار ویژگی قابل تصور است. نخست اینکه عمل زشت، ناهنجار و تقبیح شده‌ای (جرم) در شرف وقوع باشد؛ دوم اینکه چنین کاری توسط ادراک و حواس انسان قابل پیش‌بینی باشد؛ سوم اینکه بیشتر اقدامات پیشگیرانه خارج از مرزهای سیستم عدالت کیفری باشد و چهارمین نکته هم این است که مداخلات قبل از وقوع عمل مجرمانه انجام شده باشد.

همچنین شناخت شیوه‌های مختلف پیشگیری کمک می‌نماید تا در مواقع لازم شیوه صحیح پیشگیری اعمال گردد. در واقع شیوه‌های مجازات‌محور در قالب پیشگیری کیفی در قبال اطفال و نوجوانان کارآمدی لازم را ندارد و اعمال شیوه‌های پیشگیرانه غیرکیفی اثر و کارآمدی بیشتری نسبت به پیشگیری از انحرافات در اطفال و نوجوانان دارد. شیوه‌های مداخلات خانواده‌محور به منظور پیشگیری از انحرافات اطفال و نوجوانان به‌عنوان یکی از انواع پیشگیری رشد‌مدار شامل آموزش مهارت‌های زندگی، افزایش مسئولیت‌پذیری در کودکان و آگاهی‌بخشی و توانمندسازی والدین می‌باشد.

پیشنهادها

۱. آموزش والدین از طریق رسانه، مدرسه یا سازمان‌های مردم‌نهاد مبنی بر آشنایی با ماهیت انحرافات اطفال و نوجوانان؛
۲. تعامل خانواده و مدرسه برای مداخلات پیشگیرانه در قبال اطفال و نوجوانان در معرض انحراف؛
۳. تقویت بنیان‌های اقتصادی خانواده در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه توسط دولت.

منابع

- آریان‌پور، عباس، و کاشانی، منوچهر. (۱۳۶۷). فرهنگ فشرده انگلیسی به فارسی (چاپ دوازدهم). انتشارات امیرکبیر.
- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۷۸). حمایت‌های بین‌المللی از اطفال و نوجوانان بزهکار. فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۲(۲۵-۲۶)، ۳۱۵-۳۲۱.

https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56897.html

- احمدیان، سمیرا، سماواتی، عباس، و محسنی، فرید. (۱۴۰۰). وظایف والدین در پیشگیری از انحرافات اطفال و نوجوانان از دیدگاه فقهی و حقوقی. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی، ۲۶(۹۵)، ۸۴-۶۵.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1827672>

- برزگر، مه‌ری. (۱۳۹۷). پیشگیری از خشونت مرگبار جوانان در مدارس. مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۳(۴۸)، ۱۶۳-۱۸۱.

http://cps.jrl.police.ir/article_20507.html

- حاجی‌تبار فیروزجائی، حسن، کردی حاجی، آزاده، و کلانتری، کیومرث. (۱۴۰۱). عوامل خطرآفرین و پیشگیری‌کننده از بزهکاری کودکان و نوجوانان از دیدگاه قضات، مددکاران اجتماعی و مدیران مدارس استان مازندران، رفاه اجتماعی، ۲۲(۸۴)، ۲۳۱-۲۶۷.

- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1873168>
- حسینی، انسیه، و شاملو، باقر. (۱۳۹۹). حق بر سلامت روان کودکان و نوجوانان بزهکار در پرتو عدالت کیفری افتراقی. فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۲۳(۹۲)، ۷۱-۹۶.
- https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_87613.html
- خسروشاهی، قدرت‌اله، پوربافرانی، حسن، و داودی، ذوالفقار. (۱۳۹۳). پیشگیری زودرس از اعتیاد با رویکرد خانواده‌محور. مطالعات پیشگیری از جرم، ۹(۳۲)، ۳۲-۹.
- http://cps.jrl.police.ir/article_13629.html
- خلیلی، فاطمه، نجاتی، حمیده، کریمی، هایده، و جمادی، لیلا. (۱۴۰۲). روش‌های رشد شخصیت کودکان در جهت حس مسئولیت‌پذیری و ارتقاء آن، مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی (دانشگاه تاکستان)، ۹(۲).
- شاه احمدی، سید محمدرضا. (۱۳۹۰). ضرورت و نقش آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان و نوجوانان در رسانه (صداوسیما). کودک، نوجوان و رسانه، ۱۱(۱ و ۲)، ۱۵-۲۵.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/775242>
- شفیعی، بهاره، رضازاده سلطان‌آباد، محمد، و حاجی عظیمی، غزاله. (۱۴۰۱). نقش سبک زندگی اسلامی در پیشگیری از گرایش به رفتارهای پرخطر نوجوانان در شهر تهران. مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۷(۶۴)، ۷۹-۹۸.
- http://cps.jrl.police.ir/article_99061.html
- صالحی، جواد، پور محی‌آبادی، معصومه، و سالاری راد، حسین. (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری اولیه و ثانویه کودکان. مهندسی فرهنگی، ۷(۷۳)، ۱۱۹-۱۳۳.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1096792>
- صبوری، مهدی، مقدسی، سجاد، حاجی‌زاده، سینا، و رضائی، جواد. (۱۴۰۳). اهمیت آموزش آگاهی از محدودیت‌ها و عواقب کارها به کودکان و تأثیر مسئولیت‌پذیری در رشد اجتماعی آنها. کنفرانس ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران.
- <https://civilica.com/doc/2017467/>
- صادقی، محمدحسین، وروایی، اکبر، و جعفری، محمدجواد. (۱۴۰۲). پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان در سیاست جنایی با تأکید بر پیشگیری‌های سه‌گانه. مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۸(۶۶)، ۲۲-۱.
- http://cps.jrl.police.ir/article_99754.html
- عبد‌الهی، سامان. (۱۴۰۳). نقش عوامل اجتماعی در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان در معرض خطر. فصلنامه پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی، ۲(۳)، ۲۹-۵۲.
- https://qacr.ir/article_717883.html
- غفاری چراتی، صالح، و اکبری، مسعود. (۱۳۹۹). تبیین مفهوم انحرافات اجتماعی و جایگاه آن در میان مقولات جرم‌شناختی. فصلنامه قضاوت، ۲۰(۱۰۳)، ۸۱-۹۸.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2110506>

- کلدی، علیرضا. (۱۳۸۱). انحراف، جرم و پیشگیری. *رفاه اجتماعی*، ۳(۱)، ۵۱-۷۲.
- گسن، ریموند. (۱۳۷۰). *جرم‌شناسی کاربردی* (مهدی کی‌نیا، مترجم). نشر مترجم.
- گل خندان، سمیرا. (۱۴۰۱). رابطه ساختار خانواده با بزهکاری اطفال و نوجوانان (مطالعه میدانی در کانون اصلاح و تربیت استان اصفهان ۱۳۹۵). *پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، ۱۰(۱۹)، ۲۱۳-۲۳۵.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2008776>

- فقیهی، علی‌نقی. (۱۳۸۷). بررسی احادیث در زمینه راهکارهای تربیتی به‌منظور پیشگیری از رفتارهای نابهنجار جنسی نوجوانان و جوانان. *تربیت اسلامی*، ۳(۶)، ۲۷-۵۶.
- قبادیان، مسلم، بگیان کوله مرزی، محمدجواد، و مرادی، کبری. (۱۴۰۰). تأثیر آموزش هوش هیجانی در پیشگیری از بزهکاری دانش‌آموزان شهر خرم‌آباد. *مطالعات پیشگیری از جرم*، ۱۶(۶۱)، ۱۷۱-۱۹۲.
- http://cps.jrl.police.ir/article_97932.html
- مارشال، کوردون. (۱۳۸۸). *فرهنگ جامعه‌شناسی* (حمیرا شیرزاده، مترجم). بنیاد حقوقی میزان.
- محمدنسل، غلامرضا. (۱۳۹۳). *کلیات پیشگیری از جرم* (چاپ اول). بنیاد حقوقی میزان.
- منصوری، حسین. (۱۳۸۹). *پیشگیری زودرس با تأکید بر آموزه‌های اسلامی* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه اصفهان).
- متولی‌زاده نائینی، نفیسه. (۱۳۸۶). *پیشگیری رشدمدار (زودرس)*. *مطالعات پیشگیری از جرم*، ۲(۲)، ۱۲۳-۱۴۲.

http://cps.jrl.police.ir/article_13419.html

- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، و هاشم‌بیگی، حمید. (۱۳۹۰). *دانشنامه جرم‌شناسی* (چاپ دوم). انتشارات گنج دانش.

- Aazami, A., Valek, R., Ponce, A. N., & Zare, H. (2023). Risk and protective factors and interventions for reducing juvenile delinquency: A systematic review. *Social Sciences*, 12(9).
- Atilola, A., Adebajo and Ola. (2021). The cross-cutting psychosocial and systemic barriers to holistic rehabilitation, including educational re-engagement, of incarcerated adolescents: Realities in and perspectives from Africa *International Journal of Educational Development*, 81.
- Bhuiyan, M. R. I. (2024). Examining the Relationship between Poverty and Juvenile Delinquency Trends in a Developing Country, *Academic Journal of Interdisciplinary Studies*, 13(6).
- Andreescu, V. (2019). Family, school, and peer influences on alcohol abstinence and use among American Indian and white female adolescents. *Deviant Behavior*, 40(1).
- Boppre B., Novisky M. A. (2023). "It makes him feel even farther away": Disruptions in communication among families impacted by incarceration during the COVID-19 pandemic. *Criminal Justice and Behavior*, 50(12)
- Abhishek, R, J Balamurugan. (2024). Impact of social factors responsible for Juvenile delinquency – A literature review, *J Educ Health Promot.*, 10

- Baz Cores, O. (2020). An empirical approach to the study of legal socialization in adolescence, *European Journal of Criminology*.
- Cappelli, C., Ames, S. L., Xie, B., Pike, J. R., & Stacy, A. W. (2021). Acceptance of drug use mediates future hard drug use among at-risk adolescent marijuana, tobacco, and alcohol users. *Prevention Science*, 22(5).
- Campbell, W., Lewenstein, A., Kling, R., Gaes, G. (2020). Neighborhood prison admission rates and the sunbelt: Variation in imprisonment, concentrated disadvantage, and their relationship across the United States. *Crime & Delinquency*, 66(4).
- Charles, P., Muentner, L., Gottlieb, A., Eddy, J. M. (2023). Parent-Child Contact during Incarceration: Predictors of Involvement among Resident and Nonresident Parents Following Release from Prison. *Social Service Review*, 97(1).
- Christian C. I. (2018). Socio-cultural factors that influence juvenile delinquency among secondary school students in Abuja, Nigeria: Implication for social work intervention, *International Journals of Art, Language and business study*, 1(1)
- Carmmel Taricka Edison. (2024). *Psychological Understanding for Prevention of Juvenile Delinquency through Spatial Design*, Creative Commons Attribution 4.0 International.
- Ponomareva, E. (2021). *Prevention of adolescents' deviant behavior*, June 2021SHS Web of Conferences.
- Catalano, R. F., Hawkins J. D., avid, K. R., Bailey Jennifer, A., Oesterle Sabrina, Cambron Christopher, Farrington David P. (2021). Applying the social development model in middle childhood to promote healthy development: Effects from primary school through the 30s and across generations. *Journal of Developmental and Life-Course Criminology*, 7(1).
- Defoe, I. N., Dubas, J. S., Dalmaijer, E. S., & van Aken, M. A. G. (2020). Is the peer presence effect on heightened adolescent risky decision-making only present in males? *Journal of Youth & Adolescence*, 49(3).
- Galinari, Lais Sette et al, Social Maladjustment and Criminal Behavior Pattern Changes in Adolescents in Conflict with the Law, 30
- Eshim, S. J. (2021). Parental characteristics and offspring mental health and related outcomes: a systematic review of genetically informative literature, *Trans Psychiatry*, 11(1).
- Eran, I., et al. (2024). Risk and Protective Factors of Juvenile Delinquency among Youth Exposed to Political Conflict: The Role of Social Resistance, *International Annals of Criminology*, 62(1).
- Field, A. P. et al. (2020). *Maternal and paternal influences on childhood anxiety symptoms: a genetically sensitive comparison*. *J. Appl. Dev. Psychol.* 68.
- Guo, N., Weng, X., Zhao, SZ., Zhang, J., Wang, MP., Li, L., Wang, L. (2023) *Adverse childhood experiences on internet gaming disorder mediated through insomnia in Chinese young people*, *Front Public Health*.
- Haan, E., Westmoreland, KE., Schellhas, L., Sallis, HM., Taylor, G., Zuccolo, L., Munafò, MR. (2022). *Prenatal smoking, alcohol and caffeine exposure and offspring externalizing disorders: a systematic review and meta-analysis*, *Addiction*.
- Kamarmir, Z., & Panjaitan, J. D. (2023). Child Crime as Perpetrators of Immoral Crimes. *International Journal of Social Research*, 1(2).
- Lucaccioni et al. (2020). Overwhelming sepsis in a neonate affected by Zellweger syndrome due to a compound heterozygosis in PEX 6 gene: a case report, *BMC Med. Genet.*, 21 (1).
- Suha, Sh. M.(2023). *Factors Driving Rural Migration in Bangladesh and the Adverse Effects on the Lives of Street Children in Dhaka City*.

DOI:10.21203/rs.3.rs-3656385/v1